فهرست

[اصول / حجیت خبر واحد 2](#_Toc167640345)

[پیشگفتار 2](#_Toc167640346)

[بحث چهاردهم: لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ 2](#_Toc167640347)

[مقدمه اول 2](#_Toc167640348)

[مقدمه دوم 2](#_Toc167640349)

[تبیین مسئله 3](#_Toc167640350)

[نکته اول: معنای حَذَر 3](#_Toc167640351)

# اصول / حجیت خبر واحد

# پیشگفتار

بحث در دلالت آیه شریفه نفر بر حجیت خبر واحد بود در آیه سیزده بحث را پشت سر گذاشتیم و بخشی از مهمی از مقدمات استدلال به آیه مربوط به محور سیزدهم بود و آن این بود که یَتَفَقَّهُوا و یُنْذِرُوا اختصاص به امور حدسی دارد یا امور حسی را هم می‌گیرد؟ آیا نسبت به امور حسی اطلاق دارد یا خیر؟ بحث کردیم و بعید نبود که شامل امور حسی هم بشود با تقریر و بیاناتی که داشتیم.

# بحث چهاردهم: لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ

## مقدمه اول

درباره لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ است، آیه می‌فرماید که **﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾**[[1]](#footnote-1) اینکه ما می‌گوییم گروهی بروند یا بمانند، گروهی ممحض در تفقه و انذار شوند، با آن تفصیلاتی که داشتیم همه برای این است که این تَفَقَّهُوا و انذار برای این است که **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾**

شاید این جامعه‌ای که مخاطب این انذار قرار گرفته‌اند حذر کنند و توجه کنند به آنچه به آن انذار شده‌اند و از آن اموری که غیرشرعی است پرهیز کنند.

در این **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** این نکته را باید توجه کنیم که استدلال به این آیه برای خبر واحد متوقف بر این است که یحذرون افاده وجوب علی الاطلاق برای مستمعین بکند. غایت مسئله این است. حال وارد مسیری می‌شویم که آن استدلالات در اثبات و نفی وجود دارد ملاحظه می‌کنید. ولی استدلال متوقف بر دو نکته اساسی است؛ یکی آن که در بحث قبل گفتیم و آن اینکه یُنْذِرُوا شامل اخبارات حسیه هم می‌شود.

## مقدمه دوم

مقدمه دیگر هم در حذر است که این حذر واجب است علی الاطلاق بر کسانی که منذر هستند، منذرین باید اعتنا به این انذار حسی بکنند و ترتیب اثر بدهند، حذر یعنی ترتیب اثر دادن به این انذار، اگر این ثابت شد آن وقت استدلال به آیه برای حجیت به خبر واحد درست می‌شود.

انذار آمد، لازم است که منذرین ترتیب اثر دهند، علی الاطلاق، چه علم پیدا بکنند، چه اطمینان پیدا بکنند و چه اینکه علم و اطمینانی هم در کار نباشد.

مطلب معلوم است، قائمه اصلی استدلال این دو نکته است؛

۱- اینکه انذار شامل خبر عن حسٍ می‌شود، انذار فقیهانه و افتاء فقط نیست.

۲- اینکه حذر منذرین واجب است، اینها باید ترتیب اثر بدهند چون اگر آن مقدمه قبلی را بپذیریم، بگوییم انذار لازم است و وظیفه گروهی است که بروند فرابگیرند و منذر بشوند، این استدلال را تمام نمی‌کند، برای اینکه به عده‌ای می‌گوید باید بروید کار خود را انجام بدهید. یاد بگیرید، منتقل بکنید.

اما آن‌ها اگر اطمینان پیدا کردند ترتیب اثر بدهند، وقتی استدلال تمام می‌شود که بعد از اثبات وجوب انذار و شمول آن نسبت به اخبارات حسیه، بگوییم منذرین هم باید عمل بکنند، ترتیب اثر بدهند به نحو مطلق، چه علم و اطمینان پیدا بکنند و چه علم ندارند، باید عمل بکنند. این وجوب عمل ولو بدون علم و اطمینان مستلزم حجیت است. یا کنایه از حجیت است یا مستلزم حجیت است با دو سه بیانی که سابقاً در بعضی آیات دیگر داشتیم.

پس دلالت **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** بر وجوب حذر، وجوب ترتیب اثر، آن هم به نحو مطلق، چه اطمینان پیدا بکنند و چه اطمینان پیدا نکنند، موجب تمامیت استدلال می‌شود. این اصل وجه برای استدلال.

# تبیین مسئله

این بحث از بزنگاه‌های مهمی است که هم مرحوم آخوند در کفایه مطالب مهمی دارند و هم دیگران از جمله مرحوم نائینی تا به آقای خویی و دیگران برسد، همه اینجا حرف دارند که **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی چه؟ و دایره دلالت آن چیست؟

## نکته اول: معنای حَذَر

به لغات مراجعه بشود، حذر خوف است و ممکن است نکات ریزتری در آن باشد، ترس و نگرانی است، منتهی این ترس دو وجه معنایی دارد؛

۱- ترس به معنای خوف نفسانی، به عنوان یک کیف نفسانی معنا بکنیم. گاهی واقعاً مفهوم واژگان خوف و حذر و امثال اینها در کیف نفسانی استعمال می‌شود و در طرف «حب» هم همین‌طور، بسیاری از واژگانی که هست وضع شده‌اند برای امور نفسانیه، مسائل درونی، روان‌شناختی، مفهوم اصلی هم آن امور نفسانی و روان‌شناختی است.

این معنای اول است که اگر این‌طور باشد **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی در آن‌ها یک نگرانی و خوف پدید آید. اگر این را بگوییم در بحث هم اثر می‌گذارد و تمرکز آیه شریفه بر این معنا این می‌شود که خوب است که منذرین در دل‌نگران شوند، آن نگرانی نسبت به آینده و مسائلی که وجود دارد پدید آید، این معنای اول است که مطابق وضع لفظی این واژگان است.

۲- وجه دوم معنای یَحْذَرُونَ و حذر در اینجا این است که این حذر عملی است نه مطلق یک امر نفسانی و درونی، **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی رعایت بکنند این تحذیری که انجام شده است. شبیه آن که در واژگانی از این قبیل هست، ما هم بحث کرده‌ایم؛ **﴿إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾**[[2]](#footnote-2) آنجا هم دو احتمال وجود دارد، **﴿یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾** یعنی علاقه دارد، علاقه‌ای که هیچ مبرزی ندارد، امر درونی است، آن را می‌گوید، یا اینکه **﴿یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾** یعنی دامن می‌زند، شایعه را نقل می‌کند، آثاری از خود بروز می‌دهد که حب عملی است. در بسیاری از این واژگان که وضع اولی برای یک امر روان‌شناختی و درونی و کیف نفسانی است، یک اصطلاح دومی شکل گرفته است که عرفی هم هست و آن امر درونی ابراز شده است و ابرازی متناسب با امر درونی است.

این هم یک احتمال است که یَحْذَرُونَ یعنی آن خوف درونی که ترتیب اثری بر آن داده می‌شود. خوفی است که بروزی دارد، مبرزی دارد. **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی شاید آن‌ها نگران شوند و بر اساس آن نگرانی، آن انذار را رعایت کنند، خوف درونی به اضافه رعایت آثار آن خوف درونی در عمل و ابراز و مبرزات عملی که اگر انذار به واجبی تعلق گرفته است؛ خوف عملی از ترک آن با ابراز فعل آن عمل، نماز را بخواند. اگر انذار به یک حرامی تعلق گرفته است؛ نگرانی از عواقب و ترتیب اثر به ترک آن عمل انجام می‌شود؛ شرب خمر نمی‌کند.

پس ترتیب اثر بر آن خوف درونی معنای دوم می‌شود در این نوع واژگان در آن **﴿یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ﴾**، **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** و خیلی از واژگان دیگر که در قرآن و روایات هست این احتمال دوم ساری و مطرح است.

**﴿فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾**[[3]](#footnote-3) آنجا قرینه‌ای دارد که **﴿فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾** یعنی مخالفت عملی کرده است، حالا می‌گوید بترسد، ظاهر این است که ترس را می‌گوید، نگران باش، آن ممکن است این‌طور باشد ولی جایی که قرینه نباشد خیلی عرفیت دارد که فَلْیَحْذَرِ یا یحبون در حذر و حب عملی به کار می‌رود منتهی با ترکیب این دو.

۳- احتمال سوم این است که در مواردی این واژگان آن ریشه روان‌شناختی و کیف نفسانی را از دست می‌دهد، فلیحذر یعنی فالیعمل، یا این **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی لعلهم یعملون أو یترکون، یعملون به انذار واجبات و یترکون به انذار محرمات.

آیه شریفه می‌فرماید **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** در حذر سه معنا وجود دارد، این را الگویی بگیرید برای بسیاری از واژگانی از این قبیل مثل حُب، به گمانم در مکاسب به این اشاره کردیم که حب هم آنجا سه معنا دارد؛

۱- حب امر قلبی و باطنی.

۲- امر قلبی به اضافه مبرز ظاهری

۳- امر ظاهری متناسب شأنی آن عمل خارجی.

**﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾**.

۱- **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** بنا بر؛ احتمال اول، باشد که اینها نگران شوند. یعنی من اینجا مطلوبیت را روی آن امر باطنی برده‌ام، گفتیم آن امر باطنی هم می‌تواند متعلق احکام بشود. احکام جوانحی می‌تواند متعلق احکام خمسه و احکام تکلیفی بشود.

۲- اینکه **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی نگرانی به انضمام مبرز متناسب با آن.

۳- **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** یعنی دوری از آنچه انذار آن را بیان می‌کند در عمل، یعنی اگر انذار به واجب است آن را عمل کند و اگر انذار به حرام است آن را ترک کند.

اگر نتوانیم قرینه‌ای پیدا بکنیم و مجمل بشود قدر متیقن را می‌گیریم، یحذرون یعنی آن عمل همراه با آن نگرانی که معنای دوم است.

سؤال: قدر متیقن خودنگرانی است، آن عمل در احد معانی است؟

قدر متیقن جمع اینها، همان قاعده کلیه که در لغت‌شناسی گفتیم که اگر لفظ مشترک بین معنای اعم و اخص بود ما اخص را می‌توانیم بگیریم. آن اخص قدر متیقن است، یعنی آن که بیشترین قیدها در آن جمع است که هم عمل است و هم آن نگرانی درونی است و آثار هم دارد، معنایش این است که مطلوبیت این است که عمل همراه با آن نگرانی باشد. می‌خواهد آن خوف هم پدید بیاید و لذا اگر ابهامی در کار باشد آن معنای دوم قدر متیقن است و از باب قدر متیقن باید آن را بگیریم و عمل هم می‌آید.

منتهی اگر اجمال بگیریم گام اول بر اساس آن قواعد لغت‌شناسی که گفتیم این است که یحذرون را بر معنای دوم حمل بکنیم، یعنی آن امر درونی و امر جوارحی ظاهری که فعل یا ترک متناسب واجب یا حرام.

منتهی اگر این مسیر را هم بیاییم یک قرائن و ارتکازاتی هست که آن خوف درونی در افعال و واجبات و محرمات اهمیت بالایی ندارد، یک قرینه خارجیه وجود دارد این نیست که آن طرف الزام شارع قرار بگیرد. آن قرائنی وجود دارد که آنکه الزام شارع است، همان است که فعل را انجام بدهد در واجبات و در محرمات فعل را انجام ندهد و ترک بکند. آن ملاک است، آن امور درونی را مطمئن هستیم که الزام نیست. خود فعل و ترک مستقلاً مطلوبیت یا مرجوحیت دارد. این قرینه عامه‌ای است که ترکیب نمی‌شود.

از این روست که با این قرینه عامه مثلاً می‌گوییم ظهور همان یحذرون عملی است، یا اینکه اگر کسی این را نپذیرد که بگوید هر دو باید باشد، می‌گوییم هر دو به نحو «واو» نیست، به نحو «أو» است.

می‌گوییم این ارتکازات ما در فهم کلام شارع این است که این دو امر باطنی و ظاهری، ترکیبی الزام یا رجحان ندارند، اگر الزام باشد، در عمل مستقلاً وجوب دارد، رجحان هم باشد در عمل و باطن مستقلاً وجود دارد. یک قرینه لبیه مستفاد از مذاق شرع و ارتکازات اینجا هست.

اگر همین‌جور بگوییم قرینه‌ای نداریم و اجمال دارد باید قدر متیقن بگیریم که جمع حذر باطنی و حذر رفتاری و عملی است ولی قرینه‌ای وجود دارد که هر دو اینها مستقلاً حساب و کتاب دارد، منتهی یک جایی فقط از نظر باطنی مصداق دارد، در اعتقادات شاید ظاهری نباشد.

بنابراین **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** تقیید می‌کند، (الان الزام را نمی‌گوییم، اطلاق را هم نمی‌گوییم فعلاً حذر را می‌خواهیم معنا کنیم) به حذر منذرین، منبعث از انذار منذرین، می‌گوید خوب است اینها حذر پیدا بکنند.

حذر هم تا آنجا که اختیاری باشد می‌تواند متعلق تکلیف باشد و حذر در اینجا هم شامل حذر رفتاری می‌شود متناسب با آنجا که در انذار وجود دارد و مستقلاً هم مطلوبیت دارد و هم حذر نفسانی می‌تواند مشمول باشد متناسب با آن انذار و امثال اینها.

می‌خواهیم بگوییم که نگران شود که اگر من خدا را نپذیرم، یا اوصاف او را نپذیرم یا بهشت و جهنم را نپذیرم مواجه با یک خطر خواهم شد، یا اگر این حکم را عمل نکنم، نگران باید بشوم از آینده و عواقب ترک و بی‌توجهی به حکم. خود این مطلوبیت دارد.

۱- گفتیم **﴿لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾** سه معنا دارد ابتدائاً ممکن است بگوییم معنای دوم ظاهر است، اگر ظاهر نگیریم و اجمال بگیریم، معنای دوم متیقن است، پس معنای دوم ظاهرٌ أو متیقنٌ من المعنا.

۲- این است که بر خلاف آنچه در جاهای دیگر بین قیود در مقام اجمال جمع می‌کنیم اینجا می‌گوییم این دو به نحو «أو» تکلیف به آن تعلق گرفته است، هم حذر درونی مطلوبیت دارد، هم حذر رفتاری و عملی مطلوبیت دارد.

نمی‌شود گفت انذار قرآن با آن همه آیات کار به تأثر درونی ندارد. فضای قرآن فضایی است که می‌خواهد بگوید آدم‌ها در درونشان متأثر بشوند.

از آن طرف مطمئن هستیم که مطلوبیت دارد و یک پایه مهم است این است که در رفتار آنجایی که احکام رفتاری است حذر یعنی حتماً آن را در نظر دارد. منتهی هر دو یقینی است ولی جمع آن را تقریباً یقین داریم جمعی نیست دو وادی است که مستقلاً مطلوبیت دارد.

مطلب بعدی اینکه حذر که امر نفسانی را گرفت در مواردی حذر قید اختیاری است که حالت امر مترتب غیر اختیاری بر این انذار می‌شود و در مواردی هم حذر اختیاری است.

اینجا چون حذر شامل رفتاری می‌شود و آن هم اختیاری است بعید نیست که بگوییم حذر هر دو را می‌گیرد. آن که غیر اختیاری است آن فایده عمل است اما اگر اختیاری شد، آن غرض حکم می‌شود و مانعی ندارد که شامل هر دو بشود.

1. - سوره توبه، آیه ۱۲۲ [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره نور، آیه ۱۹ [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره توبه، آیه ۶۳ [↑](#footnote-ref-3)